

لحظه حساس انتخاب

پیشنهادهای دانش بومی مناطق زلزله زده برای اسکان موقت

پویش کپر و کولمان

رفتار مردم آسیب دیده در زلزله اخیر کرمانشاه، از همان لحظه وقوع زلزله، عمیقا قابل تامل و قابل آموختن بود. پیش از وقوع زلزله نوعی عدم مشارکت عمومی در جامعه موج می زد و نهادهای دلسوز، نگران از دست رفتن سرمایه های اجتماعی بودند. در چنین شرایطی که هر کدام از ما هم انگشت اتهام را به سوی نهادهای مسئول نشانه گرفته بودیم و هم چشم امیدمان را به بیرون از خودمان (و عموما دولت) دوخته بودیم، اما رفتار مردم زلزله زده کرمانشاه و روستاهای پیرامونش حکایت دیگری را رقم می زد. درست در اوج بحران و با دست خالی، از همان ساعات اولیه پس از بروز حادثه:

- دست در دست هم دادند و برای نجات خودشان اقدام کردند؛

- در آن شرایط بغرنج و پیچیده اهالی زلزله زده مناسب ترین راه حل های سکونت پیاده کردند؛

- از تقلید و ماجراجویی های شخصی دوری و بر آنچه داشتند و از بوم و محیط گرفته بودند تکیه کردند.

روایتی را که می گوئیم و تصویرهایی را که می بینید گواه این رفتار خردمندانه زلزله زدگان است:

در روز سوم هنوز اقامت اضطراری از کیفیت مطلوبی برخوردار نبود. هنوز به بسیاری از روستاها، چادر هلال احمر نرسیده بود، ما در منطقه بودیم و با اهالی روستای «بلوان» زندگی و گفتگو می کردیم و از انواع خانه ها و سرپناهاشان پرسیدیم و دو نام شنیدیم: «کپر» و «کولمان» که از هیچ کدام، نمونه ای در روستا نبود. مردم آسیب دیده به زبانی شنیدنی ما را به سمت استفاده از پوشش های بومی سوق دادند...

فردا به هنگام توزیع کمک های مردمی در یکی از روستاهای مجاور، با تجسس «خالو عزیز» که خودش معلم است با یکی از این سازه آشنا شدیم با «کپر» که از آن به عنوان آغل استفاده می شد. شنیدیم که اهالی گفتند پیشتر در این سازه ها خودشان هم سکونت می کرده اند ولی الان مدت ها است به خانه هائی رفته اند که بر سرشان خراب شده است.....



از عصر همان روز بود که در گوشه گوشه روستاها ظهور مجدد کپرها را دیدیم، این بار با شمایل و ابعادی متفاوت تر، پرنی تر، با لایه ای که دید به درون را می گرفت و این بار، برای سکونت خود اهالی بود.



کپرها با سرعت بر پا می شدند، در چند ساعت و با مصالح بومی، با مشارکت همه اعضای خانواده و به اشکالی خلاقانه مورد استفاده قرار می گرفتند. یکی از این خلاقیت ها، اتصال کپرها بود به چادرهای هلال احمر. کپرها در ادامه چادرها برای کفش کن یا آشپزخانه مورد استفاده قرار می گرفتند.



به تدریج، کپر ها به شهرها نیز سرایت کردند...اما نی به آسانی به آسفالت فرو نمی رود و این مانع نتوانست از خلاقیت آسیب دیدگان جلوگیری کند. بلوک سیمانی را به عنوان پایه نی ها به ساختمان کپر اضافه کردند.



آیا ما کمک رسانان نمی بایست ازین مشارکت بومی و خلاق آسیب دیدگان بیاموزیم؟

با این دیده ها و یافته ها، مناسب و معاصر سازی کپر در دستور کارمان قرار گرفت و همچنان گفتگو و جستجو را ادامه دادیم. «عمو علیرضا» از افراد سرد و گرم چشیده روستای بلوان بود که تجربیات و خاطرات بسیاری از جنگ و آوارگی و بی خانمان شدن هایش برایمان گفت. او اولین کسی بود که در روز چهارم، با کمک چند نفر از اطرافیانش و با استفاده از تیر و تخته های بیرون کشیده از آوار خانه هایشان، ساخت و زندگی در "کولمان" را نشانمان داد. ساختمانی شامل یک اطاق جادار که گرچه کودکان و نوجوانان امروز روستا آن را نمی شناختند ولی کم کم از قعر خاطرات جوانان ۳۰ و چند ساله، کودکی و روزهای آوارگی را به خاطرشان آورد که چه روزها و شب هایی را در چنین اطاق های آشنائی گذرانده بودند.

در ابتدا اهالی با تردید نگاه به ساخته عمو رضا نگاه می کردند، حتی خندیدند و آیه یاس خواندند اما همه می دانستند باران سختی در راه است، باران های رگباری سرپل در این فصل، که همه اهالی آن را می شناختند. نیمه شب بود که به کولمان نیمه کاره او رسیدیم که در لابه لای چادرها و نزدیک بقایای خانه شان جا خوش کرده بود.



دو شب بعد، باران شدیدی بارید، صاعقه، برقِ روستا را دوباره قطع کرده بود. خیس و یخزده وارد روستا شدیم. چادرها خالی بود. کسی با فانوس به استقبالمان آمد و گفت بیایید، همه داخل کولمان هستند. وارد که شدیم، اولین چیزی که نظرم را جلب کرد گرمای فضا بود، چه از نظر درجه حرارت و چه حال و هوای آنجا. به پشت سر نگاه کردیم، یک بخاری نفتی کوچک روشن بود. از عمو علیرضا پرسیدیم: «چند وقت است روشن است؟» با آن کردی غلیظ دوست‌داشتنی‌اش گفت: «شاید نیم ساعت، چهل و پنج دقیقه.» فضا صمیمی بود، دور سفره پارچه‌ای سراسری، کنار بقیه نشستیم و شامی و چایی خوردیم و گفتیم و خندیدیم. کولمان عمورضا آنقدر جا داشت که هر گوشه‌اش، نامی گرفته بود، آشپزخانه، پذیرایی، نشیمن. حتی پشتی‌هایی دورتادورش جا داشت برای نشستن و ولو شدن. به دیوارش، قاب عکس و ساعت دیواری هم زده بودند. باورکردنی نبود که این قدر شکل خانه شده است! بیرون، رگبار بود و صاعقه بود و سرما و ویرانه‌های زلزله و این داخل، چیزی شبیه معجزه چگونه ممکن است این تجربه حیات بخش را آدمی ببیند و آن را کنار بگذارد و به دنبال جعبه‌های آهنی برود؟!!





از دو سه روز بعد، جوان‌ترها هم مشغول شدند. این عکس‌ها را حامد از روستای بلوان برایمان فرستاد، عکس‌هایی که نشان می‌دهند او با تعدادی از جوانان هم روستای خود، ساخت کولمان را جلوی خانه مادر بزرگش آغاز کرده بود. حامد فوق لیسانس زمین‌شناسی است و مثل خیلی‌های دیگر در این منطقه، می‌خواهد سرپناه موقتشان را خودشان انتخاب کنند و بسازند. کدام درس ازین رفتار اسیب دیدگان گویاتر و آموزنده‌تر؟



۱۶ روز بعد از وقوع زلزله، سخنگوی محترم دولت، در تاریخ ۷ آذر ۱۳۹۶ اعلام کرد: «اعطای کمک بلاعوض و وام بانکی برای بازسازی واحدهای مسکونی صدمه دیده از زلزله به قوت خود باقی است و کمک سه میلیونی مصوب دولت به هر خانوار زلزله زده برای اسکان موقت نیز یا به صورت نقدی به آنها انجام می‌شود یا در عوض آن کانکس تحویل می‌شود. بدیهی است خانواده‌ها اختیار دارند که یا کانکس بگیرند یا سه میلیون تومان وجه بلاعوض اسکان موقت را، که در آن صورت خودشان باید مشکل اسکان موقت را حل کنند.» این مسئله بدون شک، گام مهمی در راستای تقویت این پویش محلی و احترام به

توانایی‌های دانش و فناوری بومی است اما با این حال، پویش «کپر و کولمان» که از دل خود منطقه و همت بلند اهالی آن بلند شده، با موانعی مواجه است که رفع آن‌ها، کمک همه را می‌طلبد.

در کنار بزرگترها و افراد باتجربه قدیمی و بسیاری از مردان که استفاده از کپر و کولمان و مشابه آن‌ها را همخوان با زندگی و محیط‌شان می‌دانند، زنان جوان در روستاهای آسیب‌دیده، نگران بازگشت به گذشته هستند و در شرایط روحی فعلی، کپر و کولمان برایشان بیش از آنکه راهکاری طبیعی و اقتصادی برای گذاری معقول از مسکن اضطراری (چادر) به مسکن دائم (خانه) باشد، زیستن کوتاه مدت در کپر و کولمان را «نشانه» بازگشت به زندگی فقیرانه روستائی» می‌دانند و در این زمینه، استفاده فراگیر از این دستاوردهای بومی با مانع مواجه است.

ما همراهان پویش کپر و کولمان، مخالف استفاده از کانکس نیستیم... حتی برای بهروری از خدمات بهداشتی عمدتاً حمام موقت هر روستا، تعداد بسیار اندک آن را توصیه می‌کنیم. ما با کانکس، مخالف نیستیم، اما معتقدیم باید اسکان موقت را، موقت در نظر گرفت و این مرحله را گذاری از وضعیت اضطراری به وضعیت عادی یا سکونت دائم به حساب آورد. چرا که انتخاب سرپناه برای دوران اسکان موقت آن هم درین لحظه حساس می‌بایست با ملاحظاتی همراه باشد... ملاحظاتی از قبیل:

- سکونت موقت، شیوه زندگی اهالی را دستخوش تغییر قرار ندهد و فرهنگ قومی را خدشه‌دار نکند؛
- پس از عبور از مرحله سکونت موقت، مهم است که ردی از آن باقی نماند و همان‌طور که نوع سکونتش موقت است، ماندگاری آن نیز موقت باشد؛
- مهم است هزینه‌ای که برای آن پرداخت می‌شود نسبت عاقلانه‌ای با اسکان دائم پس از آن داشته باشد.
- مهم است هزینه‌ای که برای آن پرداخت می‌شود قابل بازگشت و یا تبدیل در جهت افزایش کیفیت سکونت دائمی باشد؛
- مهم است چه تامین امروز آن‌ها و چه برچیدن فردای آن‌ها پس از ساخت خانه‌های دائم، نیاز به هزینه‌های جانبی نداشته نباشد.
- مهم است حداقل وابستگی را به منابع و مصالح خارج از منطقه داشته باشد؛
- مهم است به سرعت تامین و به سرعت برچیده شود؛
- مهم است تبدیل به دلیلی برای تاخیر از گذار و اقدام برای سکونت دائم نباشد؛
- مهم است چه زمان استفاده و چه پس از آن، به محیط پیرامونی خود از منظر محیط زیستی آسیب نرساند.

- مهم است قابلیت تکثیر الگو بر اساس جامعه درگیر با بحران را داشته باشد؛
- مهم است به حفظ مشارکت آسیب‌دیدگان در تلاش برای ساختن مسکنشان توجه داشته و آن‌ها را از افراد خلاق و فعال، به افرادی منفعل و منتظر کمک‌های بیرونی تبدیل نسازد.
- مهم است یک دانش بومی زنده سازگار با فرهنگ و اقلیم و قابل انتقال به زندگی مدرن را بی‌اعتبار نساخته و به حاشیه نراند؛
- مهم است با توجه به منطق اسکان روستایی که نیازمند فضاهای منفصل متعددی از جمله آغل، انباری و... است امکان تغییر کاربری و اضافه شدن به سکونتگاه اصلی را داشته و با آن در تناسب باشد.
- مهم است چشم‌انداز و منظر منطقه را که از زیباترین مناطق طبیعی ایران است، مخدوش نکرده و به پتانسیل‌های آتی آن برای جذب گردشگر و صنعت توریسم آسیب نزند.
- جان کلام آن که کانکس، سرپناهی است که حتی اگر در همه حوزه‌ها از راهکارهای بومی خود پیشی بگیرد، این زیبایی، آشنایی، گرما و از همه مهم‌تر، حس آفرینشگری و مشارکت را نمی‌تواند ایجاد کند و صرفاً یک کالای اهدایی بیرونی است.
- «پویش کپر و کولمان» درواقع سعی دارد نادیده‌انگاری این حضور زنده جریان بومی و مردمی سکونت را که با وقوع زلزله، از جای‌جای این خطه برخاسته و جامعه محلی آسیب‌دیده را تشویق به مشارکت فعال برای حل مسائل خود می‌کنند مانع شود. پویش کپر و کولمان به این باور رسیده که این درس مشارکت را مانند بسیاری دیگر از درس‌های زلزله اخیر نباید نادیده گرفت.
- شما هم می‌توانید با این پویش همراه شوید:

https://t.me/kapr_kulman